



مجموعه بیانات رهبری معظم انقلاب

سیرامون تدر در قرآن



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیانات در محفل انس با قرآن - ۱۳۹۳/۴/۸

* قرآن کتاب معرفت است، کتاب نور است. وَ مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدًا إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ زِيَادَةٌ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٍ فِي عَمَى؛ این کلام منسوب به امیرالمؤمنین است؛ فرمود: هرکسی که با قرآن نشست، از این نشست که برخاست، یا هدایتی در او افزون شده است یا بی‌معرفتی و کوری‌ای از او کم شده است. یک افزایشی و یک نقصانی در او به‌وجود می‌آید، افزایش در هدایت و نقصان در کوری، نقصان در گمراهی، یعنی گمراهی انسان کم میشود. هدایت انسان، آگاهی انسان افزایش پیدا میکند؛ نشست و برخاست با قرآن این‌جوری است؛ این البته با توجه و تدبیر در قرآن حاصل میشود. قرآن را باید با توجه خواند؛ توجه داشته باشیم که صرف تشکیل این اصوات مطلوب نیست؛ با توجه به معانی، با توجه به مرادفات قرآنی باید قرآن را خواند؛ اگر این شد، آن وقت جامعه‌ی اسلامی راه خودش را پیدا میکند. اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؛ از ظلمات خرافات، از ظلمات گمراهی‌ها، از ظلمت ترس، از ظلمت توهمات، انسان خارج میشود «إِلَى النُّورِ»؛ نور هدایت، نور معرفت، نور تقرب به پروردگار، نور انس با پروردگار. اینها خصوصیت‌های [است] که با نشستن با قرآن و انس با قرآن برای انسان به‌وجود می‌آید و ما به این احتیاج داریم؛ امت اسلامی امروز به این احتیاج دارد. جامعه‌ی اسلامی امروز با چالشهای جدی روبه‌رو است؛ مکرر عرض کردیم توجه به چالشها به معنای این نیست که ما احساس کنیم که دشمن قوی است و بر ما غلبه پیدا خواهد کرد؛ این جور نیست. جامعه‌ی اسلامی با چالشها مواجه است و مواجهه‌ی با چالشها یک فرصتی است برای اینکه اسلام بتواند از مراحل سیر تاریخی حرکت به سوی اعتلای مورد نظر، ان‌شاءالله یک پله‌ی دیگر، یک حرکت دیگر، یک مرحله‌ی دیگر پیش برود؛ امروز این‌جوری است. ما در دوره‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از بیداری اسلامی، دنیای اسلام را در حال غفلت میدیدیم؛ امروز دنیای اسلام در حال آگاهی است. حوادثی هم که در دنیای اسلام رخ میدهد، به کمک آگاهی امت اسلامی می‌آید؛ ما را آگاه‌تر میکند، روشن‌تر میکند، وظایف ما را برای ما مشخص‌تر میکند. دشمنان اسلام از این بصیرت مؤمنین و امت اسلامی بیمناکند؛ ما این بصیرت را باید روزبه‌روز تقویت بکنیم؛ اولین مرحله همین است که این چالشها را بشناسیم.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان در سی‌ویکمین دوره‌ی مسابقات بین‌المللی قرآن کریم - ۱۳۹۳/۳/۱۳

* به شما جوانان عزیز توصیه میکنم اُنستان را با قرآن زیاد کنید؛ آن کسانی که با قرآن ارتباط پیدا کردند، قدر این ارتباط را بدانند؛ کسانی که قرآن را حفظ کردند، قدر این حفظ قرآن را بدانند؛ این جواهر قیمتی را برای خودشان نگه دارند؛ آن کسانی که با تلاوت قرآن مأنوسند، این رشته‌ی مبارک را از دست ندهند، رها نکنند؛ آن کسانی که با قرآن مرتبطند، تدبیر در قرآن راه، تدبیر در معانی قرآن راه، تعمق در مفاهیم قرآنی راه، هدف خودشان قرار بدهند؛ اینها چیزهایی است که ما را قدم‌به‌قدم به قرآن نزدیک میکند. اگر با قرآن مأنوس شدیم، به قرآن نزدیک شدیم، مفاهیم قرآنی در دل ما توانست اثر بگذارد، آن وقت میتوانیم امیدوار باشیم که امت اسلام عزت و عده داده شده‌ی از سوی

خدای متعال را [به دست خواهد آورد]: وَ لِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُوْلِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ^۱ این عزّت را آن وقت خدا به امت اسلامی خواهد داد. اگر با قرآن مأنوس شدیم، آثار و برکات آن اینها است.

* به شما جوانان عزیز توصیه میکنم اُنستان را با قرآن زیاد کنید؛ آن کسانی که با قرآن ارتباط پیدا کردند، قدر این ارتباط را بدانند؛ کسانی که قرآن را حفظ کردند، قدر این حفظ قرآن را بدانند؛ این جواهر قیمتی را برای خودشان نگه دارند؛ آن کسانی که با تلاوت قرآن مأنوسند، این رشته‌ی مبارک را از دست ندهند، رها نکنند؛ آن کسانی که با قرآن مرتبطند، تدبّر در قرآن را، تدبّر در معانی قرآن را، تعمّق در مفاهیم قرآنی را، هدف خودشان قرار بدهند؛ اینها چیزهایی است که ما را قدم‌به‌قدم به قرآن نزدیک میکند. اگر با قرآن مأنوس شدیم، به قرآن نزدیک شدیم، مفاهیم قرآنی در دل ما توانست اثر بگذارد، آن وقت میتوانیم امیدوار باشیم که امت اسلام عزّت وعده داده شده‌ی از سوی خدای متعال را [به دست خواهد آورد]: وَ لِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُوْلِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ؛ این عزّت را آن وقت خدا به امت اسلامی خواهد داد. اگر با قرآن مأنوس شدیم، آثار و برکات آن اینها است.

* آن کسانی که با تلاوت قرآن مأنوسند، این رشته‌ی مبارک را از دست ندهند، رها نکنند؛ آن کسانی که با قرآن مرتبطند، تدبّر در قرآن را، تدبّر در معانی قرآن را، تعمّق در مفاهیم قرآنی را، هدف خودشان قرار بدهند؛ اینها چیزهایی است که ما را قدم‌به‌قدم به قرآن نزدیک میکند.

بیانات در محفل انس با قرآن - ۱۳۹۲/۴/۱۹

* بحمدالله امروز جامعه‌ی ما با قرآن مأنوس شده‌اند. البته ما به این قانع نیستیم؛ ما معتقدیم همه‌ی احاد جامعه باید با قرآن ارتباط برقرار کنند، بتوانند قرآن را بخوانند، بتوانند قرآن را بفهمند، بتوانند در قرآن تدبّر کنند. آنچه که ما را به حقایق نورانی میرساند، تدبّر در قرآن است؛ و این حفظ قرآن که بحمدالله امروز در بین شما جوانها، در بین جوانهای کشور، در سرتاسر کشور رواج پیدا کرده است، یک مقدمه‌ی خوبی است برای تدبّر. یعنی حفظ و تکرار و انس با آیات کریمه‌ی قرآن و پی‌درپی آیات الهی را مورد توجه قرار دادن، موجب میشود که انسان بتواند در قرآن تدبّر کند.

بیانات در دیدار قاریان - ۱۳۹۱/۴/۳۱

* وقتی انس با قرآن پیدا شد، مجال تدبّر و تأمل و تفکر در معارف قرآن به دست خواهد آمد. قرآن را نمیشود سرسری خواند و گذشت؛ قرآن احتیاج دارد به تدبّر، تکیه‌ی بر روی هر کلمه‌ای از کلمات و هر ترکیبی از ترکیبهای کلامی و لفظی. انسان هرچه بیشتر تدبّر کند، تأمل کند، انس بیشتری پیدا کند، بهره‌ی بیشتری خواهد برد؛ قرآن اینجور است.

* بحمدالله در جامعه‌ی ما، در کشور ما، نهضت انس با قرآن، نهضت خوبی شده است. این مسئله‌ی حفظ قرآن که ما قبلاً سفارش کردیم، بحمدالله دارد در میان جوانهای ما انتشار پیدا میکند؛ باید هم انتشار پیدا کند؛ باید هم با قرآن آشنا شویم، مأنوس شویم. وقتی قرآن را حفظ کردید، میتوانید معانی قرآن را درست بفهمید؛ انسان وقتی معنای قرآن را فهمید، میتواند در آن تدبّر کند؛ وقتی تدبّر کرد، میتواند به معارف عالی دست پیدا کند و رشد پیدا کند. انسان با انس با قرآن، در درون رشد پیدا میکند.

^۱. سوره مبارکه المنافقون آیه ۸: يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِيْنَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ^۲ وَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُوْلِهِ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَلِلْمُؤْمِنَاتِ لَا يَلْمُونَ، ترجمه: آنها می‌گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان دلیلان را بیرون می‌کنند!» در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند!

بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم - ۱۳۹۱/۴/۴

* خدا را شکر میکنیم که توفیق درس قرآن، انس با قرآن و تلاوت قرآن به مردم ما داده شده است. در دوران طاغوت، قرآن در کشور ما مهجور بود؛ هیچ حرکت جمعی در ترویج قرآن انجام نمیگرفت؛ هرچه بود، میل شخصی افراد بود. در دوران جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلام، یکی از برنامه‌های اصلی برای مسئولین کشور، ترویج قرآن است؛ تلاوت قرآن، انس با قرآن، فهم قرآن، حفظ قرآن، جزو برنامه‌هاست؛ که خوب، یکی از مظاهر آن هم همین مسابقات بین‌المللی است. لیکن تلاوت قرآن و قرائت زیبای آیات الهی، مقدمه است برای تدبر در قرآن. ما نمیخواهیم خودمان را مشغول کنیم، سرگرم کنیم به تلاوت و به قرائت قرآن و الحان قرآنی، به عنوان یک موضوع اصلی؛ این مقدمه است، این طریق است. تلاوت قرآن با صوت خوش موجب میشود که دل انسان نرم شود، خشوع پیدا کند، آماده بشود برای فهم معارف قرآنی و آیات قرآنی؛ ما به این احتیاج داریم.

خطبه‌های نماز عید سعید فطر - ۱۳۹۰/۶/۹

* در ماه مبارک رمضان، بسیاری از مردم موفق و باسعادت توانستند محصول زیادی را بردارند؛ محصولی که برای دوره‌ی سال آنها، بلکه در مواردی برای سراسر عمر آنها، دارای برکات خواهد بود. عده‌ای انس با قرآن پیدا کردند، از معارف قرآنی بهره بردند، تدبر کردند؛ عده‌ای انس و مناجات با خدا را در این ماه برای خودشان رویه و روش قرار دادند و دل‌های خودشان را نورانی کردند. مردم روزه گرفتند؛ با روزه، در نفس خود صفا به وجود آوردند؛ که همین صفا و صمیمیت و نورانیت، منشأ برکات بسیاری در زندگی فردی و اجتماعی است. این صفای نفسانی به انسان نیک‌اندیشی میدهد، تطهیر نفس از حسد و بخل و کبر و شهوت میدهد. صفا در نفس انسان، محیط جامعه را محیط امن و امان روحی و معنوی قرار میدهد؛ دل‌ها را به هم نزدیک میکند؛ مؤمنان را به یکدیگر مهربان میکند؛ ترحم به یکدیگر را در میان جامعه‌ی ایمانی گسترش میدهد. اینها همه محصولات ماه مبارک رمضان است برای مردم موفق و باسعادت.

بیانات در دیدار قاریان قرآن - ۱۳۸۹/۴/۲۴

* من بازهم به جوانان عزیزمان توصیه می‌کنم که با قرآن انس بگیرید، با قرآن مجالست کنید. «و ما جالس هذا القرآن أحد ألاما قام عنه زیاده او نقصان، زیاده فی هدی او نقصان من عمی»؛ هر باری که شما با قرآن نشست و برخاست کنید، یک پرده از پرده‌های جهالت شما برداشته می‌شود؛ یک چشمه از چشمه‌های نورانیت در دل شما گشایش پیدا می‌کند و جاری می‌شود. انس با قرآن، مجالست با قرآن، تفهیم قرآن، تدبر در قرآن، اینها لازم است. مقدمه‌ی این کار این است که بتوانیم قرآن را بخوانیم، بتوانیم قرآن را حفظ کنیم؛ حفظ قرآن خیلی مؤثر است. جوانها، دوره‌ی جوانی را، قدرت حفظ را قدر بدانند. خانواده‌ها به کودکان خودشان حفظ قرآن را تشویق کنند، آن‌ها را وادار کنند. حفظ قرآن خیلی بارز است. حفظ قرآن این فرصت را به حافظ خواهد داد که با تکرار آیات، در قرآن قدرت تدبر پیدا کند. این فرصت است، این توفیق است؛ این را از دست ندهید. آن‌هایی که حافظند، این نعمت بسیار بزرگ الهی را قدر بدانند؛ نگذارند حفظشان ضعیف بشود یا خدای نکرده از دست برود. خواندن قرآن، از اول تا آخر، یک چیز لازمی است. باید قرآن را از اول تا آخر خواند؛ باز دوباره از اول تا آخر؛ تا همه‌ی معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود. البته معلمینی لازمند تا برای ما تفسیر کنند، مشکلات آیات را تبیین کنند، معارف آیات و بطون آیات الهی را برای ما بیان کنند؛ اینها همه لازم است. اگر این‌ها شد، هرچه زمان به جلو برود، ما به جلو می‌رویم و توقف دیگر وجود ندارد.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان نظام جمهوری اسلامی - ۱۳۸۹/۱/۱۶

* در صدر اسلام، آن کسانی که ممدوح واقع شدند - حالا توی فرهنگ ما، برطبق عقیده‌ی ما - بیش از آنچه که به خاطر نماز و عبادتشان ممدوح واقع شدند، به خاطر موضع‌گیری‌های سیاسی‌شان، اجتماعی‌شان و مجاهدتشان ممدوح واقع شدند. ما ابی ذر را، یا عمار را، یا مقداد را، یا میثم تمار را، یا مالک اشتر را کمتر به عبادتشان مدح می‌کنیم. تاریخ، این‌ها را به آن مواضعی می‌شناسد که این مواضع، تعیین‌کننده

بود؛ حرکت کلان جامعه را توانست هدایت کند، شکل بدهد و به پیشرفت این حرکت کمک کند. آن‌هایی هم که مذمت شدند، همین‌جور. خیلی از بزرگان که مورد مذمت قرار گرفتند، به خاطر شرب خمر مذمت نشدند، به خاطر بی‌نمازی مذمت نشدند؛ به خاطر عدم حضور در آنجایی که حضورشان لازم بود، مذمت شدند. تاریخ، این‌جوری ثبت کرده؛ نگاه کنید، ببینید. پس کار خدا، کار معنوی، کار توحیدی، منحصر نیست در نماز خواندن؛ اگرچه نماز را دست‌کم نباید گرفت. نماز پشتوانه‌ی همه‌ی این‌هاست. تلاوت قرآن، تدبیر در قرآن، تضرع پیش‌خدا، متعال، خواندن ادعیه‌ی مأثور- صحیفه‌ی سجادیه، دعای امام حسین، دعای کمیل، بقیه‌ی این ادعیه‌ای که هست- این‌ها همه‌اش کمک‌کننده است؛ روان‌کننده‌ی حرکت موتور وجود انسان است؛ که اگر چنانچه شما با خدا انس داشتید و میان خودتان و خدا را درست و اصلاح کردید، این کارها را راحت‌تر انجام می‌دهید؛ با رغبت بیشتر، با شوق بیشتر انجام می‌دهید. بنابراین کسی که می‌خواهد کار خدا را بکند، خدای متعال کمکش می‌کند. کسی بخواهد کار دنیا را هم بکند، همین‌جور. این‌هایی که دنیا، یا مقام دنیا، یا پول دنیا، یا عیش دنیا، لذت‌های جنسی و امثال این‌ها برایشان هدف و غرض و مآل بود- که حالا در دنیا نمونه‌هایش را زیاد مشاهده می‌کنید- این‌ها هم وقتی که در راه همان هدف خودشان تلاش کردند، خدا کمکشان می‌کند. کمک الهی به این است که وسائل را در اختیارشان می‌گذارد. همت می‌کنند، از این راه می‌روند، هدفشان هم فقط هدف مادی است؛ لذا به آن هدف می‌رسند. البته چون آن جانب اصلی را که جانب معنوی و الهی و اخروی است، ندیده گرفتند، آنجا ضرر می‌کنند؛ اما در این قسمتی که هدف گرفتند، پیش می‌روند.

بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران - ۱۳۸۸/۱۱/۱۳

* انس با قرآن و تدبیر در قرآن، همچنین تدبیر در ادعیه‌ی مأثورهای که اعتبار دارد- مثل صحیفه‌ی سجادیه و بسیاری از دعاها- در تعمیق معرفت دینی خیلی نقش دارد. تعمیق معرفت دینی خیلی مهم است. یک‌وقت یک کسی همین‌طور روی احساسات، در نماز جماعت هم ممکن است شرکت کند، در اعتکاف هم شرکت کند، در مجلس عزای حسینی هم شرکت کند، در فلان تظاهرات دینی هم شرکت کند، اما این معرفت در عمق جان او وجود نداشته باشد؛ لذا سر یک پیچی، سر یک دست‌اندازی، یک‌پهو می‌بینید که از جا در می‌رود؛ این به خاطر این است. ما نظارتش را زیاد دیدیم. توی همین مجموعه‌های انقلاب، اوائل انقلاب کسانی بودند که از ماها که ریش داشتیم و عمامه داشتیم و این‌ها، به نظر می‌رسید که این‌ها متدین‌تر و مقیدتر و پابندتر و نسبت به دین متعصب‌ترند؛ بعد یک‌وقت- همان طوری که عرض کردم- یک دست‌اندازی پیش آمد، یک‌پهو دیدیم تایش در رفت! خوب، پیداست که چفت‌وبست محکمی نداشته. بنابراین تعمیق معرفت دینی، خیلی مهم است؛ انس با معارف اسلامی، خیلی مهم است. این هم یک بخش کار فرهنگی است که باید ترویج شود. این‌ها متولی می‌خواهد، متولیش هم شماست؛ هیچ‌کس دیگر نیست. یعنی شما مدیران و رؤسای گروه‌های تحقیقی، متولی این کار هستید. این کار را نمی‌شود به شکل اداری درست کرد و مثلاً تزریق کرد به یک مرکز علمی و محیط علمی؛ این را باید بنشینید برایش فکر کنید؛ این‌ها خیلی مهم است.

بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور - ۱۳۸۸/۷/۲۸

* در باب قرآن، ما باید اعتراف کنیم که سالهای متمادی جامعه‌ی ما با قرآن فاصله گرفت. ما در جمهوری اسلامی داریم این فاصله را کم می‌کنیم؛ عقب‌ماندگی‌ها را جبران می‌کنیم، اما این عقب‌ماندگی خیلی زیاد بوده. در دوران حاکمیت‌های طاغوت، قرآن به صورت رسمی در جامعه حضور نداشت؛ گوشه‌کنار کسانی ممکن بود با قرآن آشنا باشند- متدینی در خانه‌ها قرآن می‌خواندند- اما این فقط تلاوت قرآن بود؛ تدبیر در قرآن، بخصوص در سطح جامعه و در منظر عموم خیلی کم بود؛ بسیار کم بود. نتیجه این شده بود که مجموعه‌های روشن‌فکری و مجموعه‌های دانشگاهی ما بکلی با قرآن فاصله داشتند؛ یعنی واقعاً در بین تحصیل‌کرده‌های آن زمان، کسی که با قرآن انسی داشته باشد، آشنائی‌ای داشته باشد- نه آشنائی خیلی وسیع و عمیق، بلکه آشنائی محدود- واقعاً به چشم نمی‌خورد؛ مگر کسانی که سابقه‌ی طلبگی داشتند و از دوران طلبگی، آیاتی حفظ بودند؛ اما در دیگر کشورهای اسلامی و بخصوص کشورهای عربی، به خاطر شرایطی، وضعیت این‌جور نبود و الآن هم همین‌جور است. انسان روشن‌فکرهای آن‌ها را، تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی‌شان را که در مناصب گوناگون دولتی هم هستند، وقتی ملاقات می‌کند، می‌بیند این‌ها از آیات قرآن به صورت تمثیل، به عنوان شاهد، به عنوان مؤید، استدلال،

در کلمات خودشان استفاده می‌کنند؛ چیزی که در بین مجموعه‌ی روشن‌فکران قدیمی ما وجود نداشت، ولی در بین نسل جوان ما چرا. این به خاطر همان دور ماندن از قرآن بود، که ما دور مانده بودیم. حالا در آن کشورها کیفیت تعلیم و تربیت چه جور بود، آن یک بحث دیگر است. در کشورهای عربی بخصوص این چیز رائجی بود؛ الآن هم هست. ما از اول انقلاب با این پدیده برخورد می‌کردیم. این سیاستمداران و دولتمردان کشورهای عربی که همیشه هم ما به دوری این‌ها از مبانی قرآنی در عمل، اعتراض داشتیم و داریم و اعتراض بحق هم بود، اما قرآن در ذهن و زبان این‌ها حضور داشت. همیشه ما تأسف می‌خوردیم که ما چرا این‌جوری نیستیم. مثل اینکه حالا اگر من بخواهم تشبیه بکنم، افراد با ذوق ایرانی در خلال صحبتشان ممکن است جملاتی از گلستان سعدی، از شعر حافظ، جملاتی از فلان نویسنده‌ی معروف بیاورند، آن‌ها از قرآن همین‌جور استفاده‌هایی می‌کردند؛ اما در کشور ما چنین چیزی نبود. ما از قرآن به خاطر نوع تربیتی که قبل از انقلاب وجود داشت، فاصله گرفته بودیم.

بیانات در دیدار کارگزاران حج - ۱۳۸۶/۸/۲۳

* اگر یک جوانی، یک مردی یا زنی در دوره‌ی حج انس با قرآن را یاد بگیرد، تأمل و تدبیر در عبارات دعاها و مناجات با پروردگار را یاد بگیرد، این می‌شود سرمایه‌ای برای او در طول زندگی. حاجی اگر خود را مقید کند که در مدینه‌ی منوره یک ختم قرآن بخواند؛ در مکه‌ی مکرمه یک ختم قرآن بخواند- اینجا خانه‌ی قرآن است؛ محل نزول قرآن است- یا اگر نمی‌تواند یک ختم قرآن بخواند، یک بخش عمده‌ای از قرآن را بخواند با تأمل، با تدبیر؛ اگر عادت کند به تأمل و تدبیر در قرآن در این مدتی که آنجاست- بتوانید عادت بدهید حاجی را به این‌چنین سیره‌ها و رویه‌های ماندگار معنوی و روحی- این برای او می‌شود یک سرمایه. قرآن یک ذخیره‌ی تمام‌نشده‌ی انس با قرآن از هر واعظی، از هر رفیق ناصحی، از هر درسی برای انسان مفیدتر است. اگر حقیقتاً انسان با قرآن رابطه برقرار کند و قرآن را بخواند برای استناره و استفاده و استضاءه‌ی قلبی و معنوی خود، این برای او از هر واعظی بالاتر است. اگر انسان این انس را بتواند پیدا بکند، خیلی دستاورد بزرگی است.

* فرصت مغتنمی است و تقریباً همه‌ی کسانی که بارهای سنگین مدیریت کشور در سطوح اصلی و اساسی بر دوش آن‌هاست، در این جلسه‌ی بزرگ و پراهمیت شرکت دارید. حرف سیاست و گزارش امور گوناگون کشور به وسیله‌ی رئیس‌جمهور محترم بیان شد و سخن در این باره‌ها همیشه هست و بسیار است و لازم هم هست، ولی من فکر کردم که از این فرصت، اندکی هم استفاده کنیم برای چیزی که مقدم است بر استنتاجها و تبیینها و تصمیمهای سیاسی ما؛ و آن حرف دل و حرف ایمان خالصانه‌ی ماست که می‌تواند در همه‌ی مراحل این حرکت مثل جانی در کالبد، مثل نوری در ظلمت، مثل حیات‌بخشی در میان اجسام بی‌روح، نقش بیافریند. لذا این آیات را انتخاب کردم تا این‌ها را قدری باهم مرور کنیم. خود من هرچه نگاه می‌کنم، می‌بینم احتیاج دارم به اینکه این آیه‌ی شریفه‌ی «اذکروا الله ذکرا کثیرا و سبحوه بکره و اصیلا» را تکرار کنم و در آن تدبیر کنم و به آن عمل کنم. قیاس به نفس کردم، به نظرم می‌رسد که شما هم و همه‌مان محتاج به این هستیم. می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا». این، بعد از آن است که جامعه‌ی ایمانی شکل گرفته و این جامعه‌ی آموزشی بزرگ را از سر گذرانده است. این آیات سوره‌ی احزاب است و بعد از سال ششم هجرت نازل شده است؛ یعنی بعد از جنگ بدر و احد و جنگهای متعدد دیگر و بالاخره جنگ احزاب. در یک چنین شرائطی، قرآن به مسلمانها خطاب می‌کند که: «اذکروا الله ذکرا کثیرا»؛ خدا را ذکر کثیر کنید. ذکر یعنی یاد. ذکر و یاد در مقابل غفلت و نسیان است. غرق در عوارض و حوادث و پیشامدهای گوناگون شدن و از مطلب اصلی غفلت کردن؛ این، گرفتاری بزرگ ما بنی‌آدم است. می‌خواهند این نباشد. آنوقت این یاد هم صرف یاد کردن و متذکر شدن نیست، ذکر کثیر را از ما خواسته‌اند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران - ۱۳۸۶/۶/۲۳

* ریاضتی که در میهمانی این ماه وجود دارد- که ریاضت روزه و گرسنگی کشیدن است- شاید بزرگترین دستاورد این ضیافت الهی است. برکاتی که روزه برای انسان دارد، به قدری این برکات از لحاظ معنوی و ایجاد نورانیت در دل انسان زیاد است که شاید بشود گفت

بزرگترین برکات این ماه همین روزه است. روزه را بعضی می‌گیرند؛ پس این‌ها وارد ضیافت شده‌اند و بهره‌ی از این ضیافت را هم گرفته‌اند. لیکن علاوه‌ی بر روزه گرفتن - که ریاضت معنوی این ماه مبارک است - این‌ها آموزش خود را هم از قرآن در حد اعلی تأمین می‌کنند؛ تلاوت قرآن با تدبیر. با حالت روزه‌داری یا حالت نورانیت ناشی از روزه‌داری، در شبها و نیمه‌شبها تلاوت قرآن، انس با قرآن، مخاطب خدا قرار گرفتن، لذت دیگری و معنای دیگری دارد. چیزی که انسان در چنین تلاوتی از قرآن فرامی‌گیرد، در حال متعارف و معمول نمی‌تواند به چنین تلاوتی دسترسی پیدا کند؛ آن‌ها از این هم بهره می‌برند. علاوه‌ی بر این‌ها، از مکالمه‌ی با خدای متعال و مخاطبه‌ی با خدا، راز و نیاز کردن، دل خود را و اسرار درون خود را برای خدا به زبان آوردن هم بهره‌برداری می‌کنند؛ یعنی همین دعاها. این دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی، این دعا‌های روزها، این دعا‌های شبها و سحرها، این‌ها حرف زدن با خداست، خواستن از خداست، نزدیک کردن دل به ساحت حریم عزت الهی است؛ از این هم بهره می‌برند. بنابراین در این میهمانی، از همه‌ی دستاوردهای آن بهره می‌برند.

بیانات در دیدار قاریان - ۱۳۸۶/۶/۲۲

* امروز از این تلاوتها و این نغمه‌های شیرین و دلنشین قرآنی که بحمد الله جوانان ما روز به روز بهتر و جذاب‌تر و شیرین‌تر در آن پیش می‌روند، لذت بردیم؛ هم این دو نوجوانی که تلاوت کردند، هم گروه‌های دسته‌جمع که همخوانی کردند، خیلی خوب بودند؛ و هم قراء عزیزمان که انسان هر سالی که می‌شنوند این تلاوتها را، خوب احساس می‌کند که کاروان تلاوت قرآن و آهنگ‌های قرآنی از آنچه که در گذشته بوده، جلوتر آمده، و اگر مقایسه کنیم با دورانهای قبل - پیش از انقلاب - از صفر بلکه زیر صفر، بحمد الله به درجات عالی دست پیدا کرده؛ خیلی مایه‌ی خوشوقتی ماست. دو سه اشکال در اینجا وجود دارد که این‌ها را عرض کنیم: یک اشکال این است که ما خیال کنیم تلاوت قرآن و انس با قرآن و رواج قرآن یعنی فقط همین. این، یک اشکال بزرگی است که مبادا ما دچار این بدفهمی و کج‌فهمی بشویم. بنده به این تلاوتها خیلی اعتقاد دارم. قبلها در بعضی از همین جلسات، علت این اعتقاد را هم عرض کردیم که دیگر تکرار نمی‌خواهم بکنم. و خوانندگان خوبمان و تلاوتگران مسلط و استاد و وارد را حقیقتاً ارجمند می‌دانم، لیکن همه‌ی این‌ها مقدمه است؛ مقدمه برای حاکمیت فضای فرهنگی قرآن در ذهن جامعه‌ی ما. یعنی شما جوان مسلمان، مرد و زن مسلمان، کودکان مسلمان باید با قرآن انس پیدا کنید. قرآن را به معنای حقیقی مخاطب قرار گرفتن در مقابل خدا، بخوانید و در آن تدبیر کنید و از آن بیاموزید. مرحله‌ی بعدش هم عمل است؛ اما من مرحله‌ی قبل از عمل را عرض می‌کنم: آموختن قرآن، فهم معارف قرآن، تدبر در آیات قرآن و کلمات قرآنی. این کلماتی که شما ملاحظه می‌کنید، همان چیزهایی است که خداوند متعال به عنوان آخرین ذخیره‌ی معنوی وحی الهی به بشریت عطا کرده است. همین‌هاست که باید بشر را تا ابدالآباد، تا انتهای این عالم، به راههای سعادت و فلاح و رستگاری هدایت کند؛ پر از معارف است این‌ها؛ این‌ها را باید فهمید. متأسفانه ما حجاب زبانی داریم، حجاب لغوی داریم؛ این کمبود ماست. یعنی کمبود ملتهای غیر عرب است. کسانی که زبانشان عربی است، همین‌طور که قاری تلاوت می‌کند، این‌ها که نشسته‌اند، و لو نه به صورت کامل، آن را می‌فهمند؛ بیان قرآن، بیان فصیح و بلیغ و خیلی والائی است و هرکسی جزئیات این بیان را نمی‌فهمد.

* اشکال سوم این است که ما در ماه مبارک رمضان که ماه تلاوت قرآن و ماه نزول قرآن و ماه جلسات است و ما هم که این جلسه را داریم و جلسات فراوانی هم در مساجد و محافل گوناگون است، ماه رمضان که تمام شد، قرآن را ببندیم و ببوسیم و بگذاریم کنار. این نباید اتفاق بیفتد. قرآن را بایستی از خودمان جدا نکنیم. دائم باید با قرآن مرتبط و مانوس باشیم. حالا در روایات دارد که هر روز لااقل پنجاه آیه‌ی قرآن بخوانید. این، یکی از معیارهاست. اگر نتوانستید، روزی ده آیه‌ی قرآن بخوانید؛ نگوئید سوره‌ی حمد را می‌خوانم و این چند آیه‌ی سوره‌ی حمد با چند آیه‌ی سوره‌ی قل هو الله - یک رکعت - می‌شود همان ده آیه‌ای که فلانی می‌گوید. نه، غیر از آن قرآنی که در نماز می‌خوانید - چه نماز نافله، چه نماز فریضه - قرآن را باز کنید، بنشینید، با حضور قلب، ده آیه، بیست آیه، پنجاه آیه، صد آیه بخوانید. قرآن را برای تدبر کردن و فهمیدن و استفاده کردن بخوانید. یک نوع قرآن خواندن این است که انسان ظاهر قرآن را بگیرد بخواند تا آخر. این نوع، نمی‌خواهیم بگوئیم هیچ اثری ندارد. البته بنده سابقها می‌گفتم هیچ اثر ندارد، بعد تجدید نظر کردم. نمی‌شود گفت هیچ اثر ندارد، ولی اثرش در قبال آن اثری که متوقع از تلاوت قرآن است، شبیه هیچ است؛ نزدیک هیچ است. یک تلاوت، تلاوت کسانی است که آیه را می‌خوانند،

لیکن - این مال امثال ماهاست - می‌خوانند برای اینکه یک نکته‌ای پیدا کنند برای گفتن در فلان منبر، در فلان سخنرانی، در فلان محفل، در فلان مجلس. این، عیبی ندارد؛ اما این نوع هم آن نیست که ما موظفیم انجام بدهیم. یک تلاوت این است که انسان مثل یک مستمع بنشیند پای صحبت خدای متعال. خدای متعال دارد با شما حرف می‌زند. مثل اینکه از یک عزیزی، از یک بزرگی، نامه‌ای به شما رسیده باشد. شما نامه را می‌گیرید می‌خوانید. برای چه می‌خوانید؟ برای اینکه ببینید چه برای شما نوشته. قرآن را این‌جوری بخوانید. این نامه‌ی خدای متعال است. امین‌ترین زبانها و دلها این قرآن را از خدای متعال گرفته و به شما رسانده است. ما از آن استفاده کنیم؛ بهره ببریم؛ لذا در روایت هست که سوره را وقتی که می‌خوانید، همت شما این نباشد که به آخر سوره برسید، همت شما این باشد که قرآن را بفهمید؛ و لو حالا به آخر سوره، به وسط سوره، به وسط جزء، به وسط حزب نرسید و آن را تمام هم نکنید؛ تأمل و تدبر کنید. قرآن را این‌گونه بخوانید. اگر کسی با قرآن مأنوس بشود، از قرآن دل نمی‌کند. اگر ما با قرآن مأنوس بشویم، حقیقتاً از قرآن دل نمی‌کنیم. نکته‌ی آخر هم که باز تکرار است و مکرر ما این را عرض کرده‌ایم، حفظ قرآن است. حفظ قرآن یک نعمت بزرگ است. این جوانها و نوجوانها سن توانائی حفظ را قدر بدانند. شماها در سنی هستید که می‌توانید حفظ کنید و در ذهنتان بماند. ما هم می‌توانیم حفظ کنیم؛ در سنین ما هم می‌شود؛ اما خیلی ماندگار نیست؛ زود از ذهن ما می‌رود. این‌طور نیست که در سنین امثال بنده نشود حفظ کرد؛ چرا؟ سنین بالاتر از ما - یعنی سنین هفتاد و پنج، هشتاد - می‌شود حفظ کرد. من شنیدم مرحوم آیت‌الله خوئی در همین سالهای آخر عمر قرآن را حفظ کرده بود. خیلی مهم است؛ پیرمرد مثلاً هشتادساله قرآن را حفظ کند! می‌شود حفظ کرد، اما ماندگار نیست؛ از ذهن زائل می‌شود. اگر شما در دوره‌ی جوانی و بخصوص در دوره‌ی نوجوانی؛ یعنی از سن همین نوجوانهایی که اینجا برای ما تلاوت کردند یا بالاتر از این‌ها، قرآن را حفظ کنید، این یک سرمایه و ذخیره‌ای برای شماست. و امکان تدبر در قرآنی که در حفظ انسان هست، بمراتب بیشتر از امکان تدبر برای کسی است که قرآن را حافظ نیست. گاهی انسان یک آیه‌ای را در قرآن نگاه می‌کند، مثل اینکه هرگز این آیه را تلاوت نکرده؛ اما کسی که حافظ هست، چنین چیزی برایش پیش نمی‌آید. امیدواریم خداوند متعال آنچه را که گفتیم و شنیدیم، این شاء الله در دلهايمان نافذ کند.

بیانات در دیدار قاریان شرکت کننده در بیست و سومین مسابقات بین‌المللی قرآن - ۱۳۸۵/۷/۴

* اگر ما معتقدیم - که معتقدیم - که عمل به قرآن، اساس و محور احیاء قرآن است و مسئله به تلاوت و خواندن و این‌ها ختم نمی‌شود - که به آن اعتقاد داریم؛ معتقدیم باید به قرآن عمل کنیم، باید جامع‌مان را قرآنی کنیم، باید فکرمان را قرآنی کنیم، باید عملمان را قرآنی کنیم، باید قرآن را باور کنیم؛ قرآن را باور کنیم و وعده‌ی قرآن را وعده‌ی صدق و حق بدانیم، همین‌طور که خود قرآن می‌فرماید: «و تمت کلمة ربك صدقاً و عدلاً لا تبدل لکلماته»؛ همچنانی که باید تعاملمان با شخص خودمان، با افراد خانواده‌مان، با افراد محیط کارمان، با افراد اجتماعمان، با مسلمین کشورهای دیگر، با قدرتها، با ملتها و همه‌ی این‌ها باید با نفس و روح قرآنی تنظیم بشود؛ این‌ها همه‌اش درست است و به آن اعتقاد داریم؛ احیاء قرآن، عمل به قرآن و گرمی داشت قرآن این است؛ این‌ها درست - اما این‌ها معنایش این نیست که ما تلاوت قرآن را دست کم بگیریم. من می‌خواهم به شما «قرآنی‌ها» - که اهل تلاوت، اهل تجوید و اهل لحن و آهنگ و صوت و خواندن قرآنی - این را تأکید کنم، گاهی شنیده می‌شود که بعضی می‌گویند آقا به قرآن باید عمل کرد؛ خوب، این حرف درستی است؛ اما مقصودشان این است که تلاوت قرآن و آرایه‌های قرآنی را دست کم بگیرند! من با این مخالفم. تلاوت قرآن هم جزو یک مجموعه و منظومه‌ای است که این‌ها همه به هم متصل است؛ این هم بایستی مورد توجه قرار بگیرد و گرمی داشته شود. هم باید تلاوت بکنید و هم باید معانی قرآن را بفهمید؛ اگر معنای قرآن را فهمیدید، می‌توانید بهتر تلاوت کنید. الآن قراء حالا را با قراء بیست سال قبلمان مقایسه کنیم، که این حرکت قرآنی در کشور ما تازه و آرام آرام شروع شده بود؛ بعضیها خوب هم می‌خواندند، صداها خوب بود و شیوه‌های قراء معروف را هم یاد گرفته بودند و می‌خواندند؛ اما دلنشین نبود؛ چرا؟ چون از معانی و مفاهیم آیات هیچ سر در نمی‌آوردند؛ این معلوم بود. اما امروز آن‌طور نیست؛ امروز جوانهای ما این آیاتی را که می‌خوانند، خود کیفیت خواندنشان، حکایت از این می‌کند که این‌ها معنای آیه را می‌فهمند و به مفهوم آیه توجه دارند. پس اول باید خوب بخوانید؛ تلاوت را خوب، زیبا و جامع و صحیح بخوانید؛ دوم، معانی و مفاهیم قرآنی را بفهمید، و سوم، قرآن را حفظ کنید. حفظ قرآن خیلی مهم است. شما جوانها به این احتیاج دارید و می‌توانید. وقتی شما حافظ قرآن هستید، این تکرار آیات قرآنی و انس دائمی با قرآن، به شما فرصت می‌دهد که در قرآن تدبر کنید. «تدبر در قرآن» با همین‌طور خواندن و

رد شدن به دست نمی‌آید؛ با یکبار و دوبار خواندن هم حاصل نمی‌شود؛ با تکرار و انس با آیه‌ای از قرآن و امکان تدبّر در آن به دست می‌آید. و چقدر لطایف در قرآن کریم هست که این‌ها را جز با تدبّر نمی‌توان فهمید. بنابراین حفظ و فهم معانی قرآن و تلاوت آن لازم است.

بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت - ۱۳۸۴/۷/۱۷

* دوستان سعی کنند در همه‌ی اوقات- بخصوص در ماه رمضان- تلاوت قرآن را از یاد نبرند. قرآن نباید از زندگیتان حذف شود. تلاوت قرآن را حتماً داشته باشید؛ هرچه ممکن است. تلاوت قرآن هم با تأمل و تدبّر اثر می‌بخشد. تلاوت عجله‌یی که همین‌طور انسان بخواند و برود و معانی را هم نفهمد یا درست نفهمد، مطلوب از تلاوت قرآن نیست؛ نه اینکه بی‌فایده باشد- بالاخره انسان همین که توجه دارد این کلام خداست، نفس این یک تعلق و یک رشته‌ی ارتباطی است و خود همین هم مغتنم است و نباید کسی را از این‌طور قرآن خواندن منع کرد لیکن تلاوت قرآنی که مطلوب و مرغوب و مأمور به است، نیست. تلاوت قرآنی مطلوب است که انسان با تدبّر بخواند و کلمات الهی را بفهمد، که به نظر ما می‌شود فهمید. اگر انسان لغت عربی را بلد باشد و آنچه را هم که بلد نیست، به ترجمه مراجعه کند و در همان تدبّر کند؛ دو بار، سه بار، پنج‌بار که بخواند، انسان فهم و انشراح ذهنی نسبت به مضمون آیه پیدا می‌کند که با بیان دیگری حاصل نمی‌شود؛ بیشتر با تدبّر حاصل می‌شود؛ این را تجربه کنید. لذا انسان بار اول وقتی مثلاً ده آیه‌ی مرتبط به هم را می‌خواند، یک احساس و یک انتباه دارد؛ بار دوم، پنجم، دهم که همین را با توجه می‌خواند، انتباه دیگری دارد؛ یعنی انسان انشراح ذهن پیدا می‌کند. هرچه انسان بیشتر انس و غور پیدا کند، بیشتر می‌فهمد؛ و ما به این احتیاج داریم. عزیزان من! کسانی که پیشان لغزید، خیلی از مواردش را که ما دیدیم، ناشی بود از عدم تعمق در امر دین و معارف اسلامی؛ شعائری بود، شعارهایی بود، احساساتی بود، بر زبانشان بود، اما در دلشان عمق نداشت. لذا در گذشته ما کسانی را دیدیم که آدم‌های خیلی تند و داغ و پُرشوری هم بودند، بعد صد و هشتاد درجه وضع این‌ها عوض شد. سالهای اول انقلاب کسانی بودند- من با خصوصیات، آدم‌هایش را می‌شناسم؛ یعنی کلیات نیست- که افرادی مثل شهید بهشتی را راحت و صریح از نظر انقلابی بودن و فهم درستش از انقلاب و از راه امام، نفی می‌کردند. بعد از گذشت مدتی، مشی این‌ها آن‌چنان شد که مبانی انقلاب و نظام را انکار کردند! بعضی از آن‌ها که آدم‌های باانصاف‌تری بودند، صریحاً و بعضی‌شان ملتویاً و مزوراً انکار کردند. آدم‌های بی‌انصاف‌ترشان این‌ها هستند، که به یک معانی‌یی هم تظاهر می‌کنند؛ اما باطنشان این‌طور نیست. این به خاطر این بود که این‌ها عمق نداشتند. البته این یکی از عوامل است؛ یک عامل هم شهوات و دنیاطلبی و امثال این‌هاست که کسانی را هم که عمق دارند، منحرف می‌کند. بسیار کسانی بودند که عمق نداشتند. یکی از راههایی که این عمق را در اعتقادات انسان، در میانی فکری انسان، در روح انسان، در ایمان انسان ایجاد می‌کند، انس با قرآن است. بنابراین در زندگی حتماً قرآن با تدبّر را در نظر داشته باشید و نگذارید حذف شود.

بیانات در دیدار قاریان قرآن کریم - ۱۳۸۴/۷/۱۴

* باید با قرآن انس پیدا کنید. زبان ما، زبان قرآن نیست؛ می‌توانیم به ترجمه‌ی قرآن مراجعه کنیم؛ اما عمق‌یابی مضامین قرآنی فقط با مراجعه‌ی به ترجمه نمی‌شود؛ کما اینکه با خواندن متن قرآن هم برای کسانی که می‌فهمند، همیشه به دست نمی‌آید؛ با تدبّر به دست می‌آید؛ با عمق‌یابی به دست می‌آید. با قرآن باید مثل آینه مواجه شد؛ پاکیزه، براق و بی‌زنگار؛ تا قرآن در دل ما منعکس شود. قرآن باید در جان ما انعکاس پیدا کند؛ این همیشه و برای همه نیست؛ برای کسانی است که دلشان را با صفای باطن و نفس پاکیزه کنند؛ با ایمان، با باور و با قبول با قرآن مواجه شوند؛ و آلاً کسانی که دل معاند دارند، بنای بر نشیندن و نفهمیدن دارند، نوای قرآن، کلام قرآن و پیام قرآن در دل آن‌ها اثری نمی‌کند؛ «و لو أنّا نزلنا الیهم الملائکة و کلمهم الموتی و حشرنا علیهم کلّ شیء قبلما ما كانوا لیؤمنوا الاّ ان یشاء الله»؛ اگر برای برخی افراد زمین را به آسمان بدوزی، این دل ناباور و زنگار گرفته، نزدیک نمی‌شود و ایمان نمی‌آورد. لذا قرآن را هم می‌خواند، اما به قرآن نزدیک نمی‌شود. باید به قرآن نزدیک شد. شما جوانهای عزیز و همه‌ی جوانهایی که این حرف را در سرتاسر کشور می‌شنوید، بدانید در قرآن حکمت هست، نور هست، شفاء هست. عقده‌هایی که بر اثر چالشهای موجود مادی دنیا در دل و جان انسان به وجود می‌آید،

سرانگشت حکمت قرآنی می‌تواند همه‌ی این عقده‌ها را باز کند؛ این واقعیت است؛ دلها را باز می‌کند، شرح صدر می‌دهد، امید می‌دهد، نور می‌دهد، عزم راسخ برای حرکت در صراط مستقیم می‌دهد. با قرآن باید مواجه شد و این‌ها را گرفت.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت - ۱۳۸۴/۶/۸

* برادران عزیز و خواهران عزیز! بارتان سنگین و کارت‌تان دشوار است. اگر خوب عمل کنید، اجرتان دو برابر است؛ اما اگر خدای نکرده بد عمل کنید، مؤاخذه‌تان هم دو برابر است. برای اینکه بتوانید این راه را سالم طی کنید و ۱۴۵۰ روزی را که در پیش دارید، بخوبی سپری کنید، باید خود را به خدا وصل کنید. قرآن خواندن هر روز را فراموش نکنید. هر روز حتماً قرآن بخوانید؛ هر مقداری می‌توانید. آن‌هایی که ترجمه‌ی قرآن را می‌فهمند، با تدبیر به ترجمه نگاه کنند. آن‌هایی که ترجمه‌ی قرآن را نمی‌فهمند، یک قرآن مترجم خوب - که الحمد لله زیاد هم داریم - کنار دستشان بگذارند و به ترجمه‌ی آن نگاه کنند. ممکن است ده دقیقه صرف وقت کنید و یک صفحه یا دو صفحه بخوانید؛ اما هر روز بخوانید؛ این را یک سیره‌ی قطعی برای خودتان قرار دهید. علامت بگذارید، فردا از دنباله‌اش بخوانید. تا آنجایی که می‌توانید، به نماز و توجه و ذکر در نماز و به نوافل اهمیت دهید. خدای متعال به پیغمبر اکرم می‌فرماید: «قم اللیل الاً قليلاً. نصفه او انقص منه قليلاً. او زد علیه و رتل القرآن ترتیلاً. انا سنلقى عليك قولاً ثقیلاً»؛ یعنی نصف شب را بیدار بمان، یا دو ثلث شب را بیدار بمان و عبادت کن - که این برای پیغمبر است؛ من و شما خیلی دهنمان می‌چاید که از این حرفها برای خودمان بزنیم - چرا؟ «انا سنلقى عليك قولاً ثقیلاً»؛ ما می‌خواهیم سخن سنگینی را به تو القاء کنیم؛ می‌خواهیم حرف بزرگی را به تو بزنیم؛ بنابراین باید خودت را آماده کنی. بار سنگین احتیاج به آمادگی روحی دارد؛ این آمادگی روحی هم همین‌طوری به دست نمی‌آید. اینکه ما بگوییم آقا برو دلت را صاف کن، بله، اساس همان صاف کردن دل است؛ اما صاف کردن دل فقط از راه نماز، از راه توسل، از راه توجه و از راه ذکر به دست می‌آید. اگر کسی خیال کند که می‌توان دل و روح را بدون این‌ها صاف کرد، سخت در اشتباه است. از راه گریه‌ی نیمه‌شب، از راه خواندن قرآن با تدبیر و با دقت، از راه خواندن ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، دل انسان صاف می‌شود؛ و الاً این‌طوری نیست که بگوییم آقا برو دلت را صاف کن؛ هر کاری هم کردی، کردی.

پیام به کنگره عظیم حج - ۱۳۸۳/۱۰/۲۹

* حج‌گزاران عزیز را به خشوع و ذکر و انابه و تلاوت قرآن با تدبیر و حضور در نمازهای جماعت و مهربانی با حاجیان کشورهای دیگر و پرهیز از وقت‌گذرانیهای بیهوده، فرامی‌خوانم و از خداوند متعال موفقیت و عافیت و قبولی عبادات شما را مسئلت می‌کنم و همه را به دعا برای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه و فرارسیدن حکومت عدل جهانی آن ذخیره‌ی الهی دعوت می‌کنم.

بیانات در دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهال و نوجوان کشور - ۱۳۸۰/۶/۲۸

* اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبیر در قرآن را به خود بدهد، بسیاری از شبهات دشمنان بی‌اثر خواهد شد.

* امروز که حکومت اسلامی تشکیل شده و نظام جمهوری اسلامی به وجود آمده است، ما معنای بسیاری از آیات قرآن را می‌فهمیم، که قبل از تشکیل حکومت اسلامی، تصویر گنگ و مبهمی از آن آیات داشتیم. امروز که دشمنیهای استکبار و قدرتهای ظالم و ستمگر و افزون‌طلب در مقابل چشم ماست و صف‌آراییهای آن‌ها را مشاهده می‌کنیم - توطئه‌ها و نقشه‌های آن‌ها و نوع فریب افکار عمومی یا فریب بعضی ذهنهای آلوده‌ی برخی از خواص - برای ما آشکار می‌شود که عمق معنای آیه‌ی قرآن چیست و به کجا اشاره می‌کند و چه آسیبهایی را برای ذهن خوانندگان و متدبران در قرآن مجسم می‌کند. قدر این را باید دانست. ما در جامعه‌ی خودمان مبالغه‌ی زیادی از آموزش قرآن عقب‌افتادگی داریم. باید این‌ها را جبران کنیم. اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبیر در قرآن را به خود بدهد، بسیاری از شبهات دشمنان بی‌اثر خواهد شد. البته همه‌ی دستگاه‌های فرهنگی کشور باید کمک کنند. باید مفاهیم قرآنی به وسیله‌ی خبره‌های این

کار دسته‌بندی شود و به تناسب در جای خود و در کتابهای درسی - چه در مدرسه‌ها و چه در دانشگاهها - گنجانده شود. این ارتباط باید دائمی باشد.

بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم - ۱۳۷۹/۸/۹

* تلاوت قرآن یک فضیلت بزرگ و یک ثواب است؛ اما این تلاوت وسیله‌ای برای رسیدن به معرفت است. این قرآن یک اقیانوس عظیم است. هرچه بیشتر جلو بروید، تشنه‌تر می‌شوید و علاقه‌مندتر می‌شوید و دل شما روشن‌تر می‌شود. در قرآن باید تدبّر کرد. من باز هم از شما جوانان خواهش می‌کنم که با معانی قرآن انس پیدا کنید و ترجمه‌ی قرآن را بفهمید. من بارها این را از جوانان خواسته‌ام و بسیاری هم اقدام کرده‌اند. قرآن را که هر روز تلاوت می‌کنید. هرچه تلاوت کردید، ترجمه‌ی آن را هم نگاه کنید؛ بگذارید این مفاهیم در ذهن جوان شما حک شود. در آن صورت فرصت تدبّر پیدا خواهید کرد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه - ۱۳۷۷/۱۰/۴

* در پایان خطبه‌ی اول، من چند دعا هم بکنم: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد. پروردگارا! تو را به ذات مقدس و به اسماء و صفات خودت و به اولیایت سوگند می‌دهیم که این ماه رمضان را برای ملت ما مبارک فرما. پروردگارا! توفیق دعا، عبادت، تضرّع، روزه، تلاوت قرآن و تدبّر در قرآن به همه‌ی ما عنایت کن.

بیانات در مراسم اختتامیه‌ی مسابقات قرآن - ۱۳۷۷/۹/۱

* قدم اول برای عمل کامل به قرآن، آشنایی با متن قرآن است. در دوره‌ی رژیم طاغوت، مردم ما با قرآن آشنا نبودند. کسانی که می‌توانستند قرآن را از رو بخوانند آن هم به صورت غلط محدود بودند. جوانان و کسانی که در مدارس دوره‌ی پهلوی رشد پیدا کرده بودند، هیچ با قرآن آشنایی نداشتند. اگر یک‌وقت پدر و مادر مؤمنی داشتند، آن‌ها را در گوشه‌ای دوره‌ی قرآنی می‌گذاشتند و خودشان یاد می‌گرفتند. مدارس ما در آن روز، حامل مسئولیت تربیت قرآنی نبود؛ قرآن در فضای جامعه، غریب بود. در این شهر تهران بزرگ، دوره‌های قرآن که چند نفر دور هم می‌نشستند و استادی به آن‌ها درس می‌داد تجوید، یا قرائت محدود بودند. در شهرهای دیگر هم همین‌طور بود. وقتی قرآن وارد جامعه می‌شود، حضور قرآن، حلاوت خود را به کامها می‌چشانند. امروز قرآن در کشور ما سطره دارد. قدم اول، یاد گرفتن متن قرآن است و این باید روز به روز زیاد شود. اگر بخواهیم همه قرآن را بیاموزند، عده‌ای باید در اوج قرار گیرند مثل همه چیز دیگر همین‌طور که اگر بخواهید ورزش، همگانی شود، بایستی عده‌ای قهرمان را جلو چشم مردم نگهدارید. اگر بخواهید قرآن در خانه‌ها، بین بچه‌ها، بین بزرگها، بین زنها و مردها رواج پیدا کند، بایستی قهرمانان قرآنی را احترام کنید. این است که ما به این‌ها احترام می‌کنیم. این‌ها حامل قرآنند، این‌ها عزیزند. زبان این‌ها عزیز است، لبها و دلهای این‌ها عزیز است؛ چون با قرآن مأنوس است. جان ما به قربان قرآن! اما اینجا تمام نمی‌شود؛ حفظ قرآن، فهمیدن مفاهیم و ترجمه‌ی کلمه کلمه‌ی قرآن، برای کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند، لازم است. وقتی که کلمات قرآن را فهمیدید، آن وقت تدبّر لازم است. حتی آن کسی که الفاظ عربی را هم خوب بلد است، اگر تدبّر نکند، بهره‌ی کمی از قرآن خواهد برد. در قرآن، تدبّر لازم است تدبّر یعنی اندیشیدن در مفاهیم قرآنی این سخن عمیقی است، این سخن بزرگی است؛ باید در آن تدبّر کرد. گوینده‌ی آن، ذات اقدس الهی است. کلمات آن هم مال ذات اقدس الهی است یعنی الفاظش، نه فقط مفاهیمش لذا بایستی در آن دقت کرد، باید آن را فهمید، باید در آن غور کرد. این‌ها حاصل نمی‌شود، مگر با انس با متن قرآن.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام - ۱۳۷۷/۸/۲۶

* امروز بحمد الله در کشور ما جوانان با همان سرمایه‌ی معنویت و نورانیت و صفایی که در آن‌ها هست، گامهای بلندی را برداشته‌اند. امروز قرآن یک امر مهجور در جامعه‌ی ما نیست. جوانان و نوجوانان با قرآن آشنا می‌شوند؛ طبقات مردم با قرآن انس می‌گیرند، ارتباط پیدا

می‌کنند و معارف قرآن را مورد استفاده قرار می‌دهند؛ بسیاری از احکام اسلام هم در کشور اجرا می‌شود. البته ما به قدر ظرفیت و توان و به قدر آنچه که همّت خود ما بود، پیش رفته‌ایم؛ اما این پایان راه نیست؛ این، همه‌ی ظرفیت اسلام نیست. اگر ملتی همّت کند و دلسوزان این ملت وجود خود را وقف حرکت عمومی این ملت به سمت معارف اسلامی و حقایق اسلامی کنند، آنچه که به دست آن‌ها خواهد آمد، به قدری درخشان است که از افق حدس و گمان انسان هم خارج است. در زیر سایه‌ی اسلام، برای پیشرفت، میدان باز است؛ هم پیشرفت علمی، هم پیشرفت عملی، هم پیشرفت اخلاقی، هم پیشرفت سیاسی، هم عزّت و اعتلای مدنی و هم آزادی و عدالت و آرمان‌های بزرگ انسانی. در محیط اسلامی و زیر سایه‌ی اسلام، هیچ حجاب و حدّی برای انسان وجود ندارد. بی‌همّتی و کم‌همّتی ماست، کوتاهی انسان‌هاست که نمی‌گذارد آن‌ها از اسلام استفاده کنند. در محیط اسلامی، بازگشت به اسلام و بهره‌بردن از معارف اسلام، کاری عظیم است که اگر روشن‌فکران و اندیشمندان و دانشمندان و اهل علم و معرفت در هر کشوری از کشورهای اسلام به آن بپردازند، خواهند توانست بهره‌های زیادی ببرند. اسلام را آن‌چنان که فهم صحیح انسانی و در متون اصیل اسلامی هست، باید فهمید، باید دانست و با هدایت قرآنی از آن بهره‌برد. خود قرآن «تبیاناً لکلّ شیء» است؛ راهنماست، بیان است، خطّ است. در جوامع اسلامی، به اهل فکر و نظر تلقین می‌کنند که این تلقین هم دنباله‌های همان تسلّط فکری غرب و فرهنگ غربی است که از سیطره‌ی تفکر اسلامی واهمه دارد که اسلام را بایستی با ابزار و با فهم معارف غربی دانست! این‌طور نیست. البته همه‌ی معارف، انسان را آگاه می‌کنند و برای فهم بهتر مجهّز نمایند؛ اما اسلام را از خود اسلام باید گرفت؛ حقایق اسلام را از متون اسلام باید گرفت؛ حقایق اسلام را با مصطلحات خود اسلام بایستی دانست و فهمید و مورد عمل قرار داد. اسلام مشعل راهنمای فکر و ذهن انسانها و هدایت‌گر انسان‌هاست. قرآن، کتاب هدایت و کتاب نور است. آن کسانی که به قرآن مراجعه و تدبّر می‌کنند و زمینه‌ی لازم و استعداد لازم را در خود به وجود می‌آورند، برای اینکه از معارف قرآن استفاده کنند، آن‌ها می‌توانند از قرآن بهره‌برند. نباید ملاحظه کرد که آنچه ما از اسلام می‌فهمیم، در قضاوت کسانی که با اسلام میانه‌ای ندارند، از اسلام خوششان نمی‌آید و اسلام را مزاحم خودشان می‌دانند چه در زمینه‌های اقتصادی و چه در زمینه‌های سیاسی چه تأثیری دارد؛ آیا آن‌ها خوششان می‌آید، آیا فهم ما را از اسلام قبول دارند یا نه؟ اسلام به عنوان هدایت انسانها در دنیایی قرار گرفت و وارد بشریت شد که از همه طرف انکار و تکذیب بود. پیامبر را با انواع تهمتها متهم می‌کردند. شما قرآن را ملاحظه کنید؛ تعبیراتی که دشمنان پیامبر در باره‌ی پیامبر به کار می‌بردند، تعبیراتی است که هر انسانی را که ضعیف باشد، خرد می‌کند، می‌شکند و جرأت و جسارت او را برای بیان مراد خود از بین می‌برد؛ اما پیامبر اعتنایی نکرد و حرف خدا را که بر زبان او جاری و بر دل او الهام شده بود، بیان نمود و نورانیت کلام الهی کار خود را کرد.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از بانوان اندیشمندان و سخنان بانوان در این دیدار - ۱۳۷۷/۷/۱۸

* اصلاً تدبّر برای تفسیر کردن نیست؛ برای فهمیدن مراد است. انسان هر سخن حکیمانه‌ای را دوگونه می‌تواند تلقی کند: یکی سرسری و با سهل‌انگاری؛ یکی با دقّت و کنجکاوانه. این اصلاً به مرحله‌ی تفسیر کردن و تعبیر کردن نمی‌رسد. تدبّری که در قرآن لازم است، پرهیز کردن از سرسری نگریستن در قرآن است؛ یعنی شما هر آیه‌ی قرآنی را که می‌خوانید، با تأمل و ژرف‌نگری باشد و دنبال فهمیدن باشید. این همان تدبّر است و بدون اینکه نیازی به این باشد که انسان، سلاقی خودش را به قرآن تحمیل کند که همان تفسیر به رأی است خواهید دید که بابهایی را از معرفت، به حسب محتوای آیه هرچه که محتوای آیه است باز می‌کند. اشکال عمده در کار قرآن‌خوانی‌های بی‌تأمل، این است که اصلاً روی جملات درنگ نمی‌کنند. خوب؛ شما وقتی سخن حکیمی، یا سخن حکمت‌آمیزی را می‌شنوید، باید به آن دل بدهید؛ بدون دل دادن که اصلاً انسان مُراد را نمی‌فهمد. هر کتاب عاذه‌ی بخصوص اگر کتاب پُر مغزی باشد، بخصوص اگر حکیم فرزانه‌ی بزرگی آن را نوشته باشد همین حالت را دارد. اگر سرسری بخوانید و رد شوید، از آن چیزی نمی‌فهمید. قرآن می‌گوید: «مرا سرسری نخوانید» قرآن از عالی‌ترین مقام است؛ از قلّه‌ی معرفت عالم وجود است. این است که انسان باید تأمل کند و چون عمق این آیات و این مفاهیم، خیلی زیاد است، هرکسی تأمل کند، از آن استفاده خواهد کرد حتّی خود پیغمبر خود پیغمبر هم اگر تأمل کنند که البته پیامبر و ائمّه (علیهم‌السلام) همیشه قرآن را با تأمل و تدبیر می‌خواندند از قرآن استفاده می‌کنند. البته ما هم استفاده می‌کنیم. مثل سطوح مختلف دریاست که هرکس در هر سطحی برود، بهره‌ای از آن خواهد بُرد حالا این تشبیه نارسایی است، لیکن برای تقریب به ذهن است البته هر

چیزی را که انسان نفهمید، هر معنایی را که درست، سر در نیاورد و ترکیب یا عبارت مشکلی بود، به تفسیر مراجعه می‌کند. منظورم این است که تدبّر، اصلاً به عالم «تفسیر به رأی» نزدیک نمی‌شود.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون - ۱۳۷۶/۱۰/۳

* ماه رمضان، ماه مبارکی است. برکات رمضان، از خودِ آحاد و افراد مسلمانی که می‌خواهند در ضیافت الهی در این ماه وارد شوند، شروع می‌شود؛ از دلها شروع می‌شود. اولین حقیقتی که تحت تأثیر برکات این ماه قرار می‌گیرد، دل و جان مؤمنین و روزه‌داران و وارد شوندگان به عتبه‌ی مقدّس و مبارک این ماه است. از طرفی روزه‌ی این ماه، از طرفی تلاوت قرآن در این ماه و از طرفی انس با ادعیه‌ای که در این ماه وارد شده است، انسان را در معرض یک تزکیه و تهذیب و تصفیه‌ی باطنی قرار می‌دهد و ما همه به این تصفیه احتیاج داریم. علاوه بر اینکه هر فرد مسلمانی احتیاج دارد به اینکه در این ماه ذخیره‌ی تقوا و پرهیزکاری و تهذیب و تزکیه را برای خود فراهم کند، ما منسلکین در سلک روحانیت، بیشتر از دیگران به این معنا احتیاج داریم. به قول آن عارف معروف که می‌گوید: «آب که از برکات الهی است، همه‌ی پلیدیها و ناپاکیها را از بین می‌برد؛ هر جسمی که با آب تماس می‌گیرد، پاک می‌شود؛ ولی خود آب تحت تأثیر تماس با ناپاکیها و ناپاکیها، به تصفیه احتیاج پیدا می‌کند و خدای متعال در یک گردش طبیعی، آب را به بخار تبدیل می‌کند؛ به آسمان می‌برد، از بالا مجدداً به صورت قطرات باران به زمین برمی‌گرداند، پلیدیها را از آن جدا می‌کند، آن را تصفیه می‌کند و باز به صورت ماء طهور در اختیار افراد انسان و سایر موجودات قرار می‌دهد.» گوینده‌ی این سخن حکمت‌آمیز می‌گوید: «این جان شما، معارف شما، نصایح شما، بلکه خود قلب و روح شما، همان ماء طهوری است که ناپاکیها را از انسانها می‌زداید؛ اما خود این ماء طهور بتدریج به تصفیه و تزکیه احتیاج پیدا می‌کند و تزکیه و تصفیه‌ی آن، جز با یک عروج معنوی، جز با یک گردش معنوی به سمت علویات که آن هم با ذکر و دعا حاصل خواهد شد ممکن نمی‌شود.» با ذکر، با توجّه، با توسّل، با مناجات، با نافله، با تضرّع در مقابل خداوند، با تفکّر در آیات آفاقی و انفسی، این ماء طهور باز همان طهارت خود را به دست می‌آورد؛ آماده می‌شود تا بازهم با پلیدیها مواجه گردد و آن‌ها را از جسم و جان بشر و عالم بزدايد. بنابراین، ماه رمضان فرصت این عروج معنوی است. همیشه فرصت هست. ماه شعبان و ماه رجب نیز همین‌طور است. ایام دیگر سال هم برای انسان‌هایی که اهل ذکر و توجّه‌اند، همین‌طور است؛ «أَمَا تَنْذِرُ مَنْ أَتَبَعَ الذِّكْرَ». پیروی از ذکر یعنی به یاد آوردن و توجّه کردن مایه‌ی نجات جان بشر است. در همه‌ی ایام سال، در همه‌ی شهباء، در نیمه‌شهباء، با تلاوت قرآن، با تدبّر در قرآن، با خواندن این دعاهای پُر مغز و عمیق و این لحن عاشقانه‌ای که در این دعاها هست بخصوص ادعیه‌ی صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجّادیه می‌شود این تسویه‌ی باطن را به وجود آورد؛ ولی ماه رمضان یک فرصت استثنایی است. لیالی و ایام این ماه، هر ساعت و هر دقیقه‌اش برای انسان بخصوص برای جوانان یک فرصت است.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت - ۱۳۷۶/۶/۲

* این رابطه با خدا را همه باید داشته باشند؛ اما شما که مسئول هستید و یکی از مدیریتهای بالا در دست شماست شما که می‌گوییم، یعنی ما مسئولان، که من خودم از شما به این کار اولی هستم جزو شایسته‌ترین افرادی هستید که باید این رابطه‌ی ویژه را با خدا داشته باشید. نماز با توجّه و با حضور بخوانید؛ به نوافل اهمیت دهید و سعی کنید که در روز مقداری قرآن تلاوت کنید. هیچ روزی بر شما نگذرد که مقداری قرآن و لو ده آیه، پنج آیه با تدبّر تلاوت نکنید. این، به شما نورانیت می‌بخشد. انتظار این را نداشته باشیم که اگر امشب نافله خواندیم، فردا مثلاً گشایش مهمی در کارمان بشود و اثرش ظاهر گردد؛ نه. در دعاهای ما، نفس رابطه‌ی با خدا، جزو بدیهیات و محکّمات ادعیه‌ی ماست و خدای متعال، متضرّعین الیه را مورد توجه و عنایت خاص قرار می‌دهد. تضرّع، این خواص را دارد.

بیانات در دیدار مردم قم - ۱۳۷۵/۱۰/۱۹

* آقایان محترم که به شهرهای مختلف تشریف می‌برید و با مردم حرف می‌زنید! به جوانان اقبال کنید؛ حقایق دینی را صریح با مردم در میان بگذارید؛ ارواح و نفوس مردم را تصفیه کنید. مردم احتیاج دارند؛ اهل شنیدن و باور کردن و پذیرفتن هستند. دلها پاک است. آیات

کریمه‌ی قرآن و روایات نورانی اهل بیت را با دقت، با تأمل، با تدبّر و با بیان شافی و وافی مطرح کنید. آن چیزهایی را که متضمّن نصایح اخلاقی و هدایتهای فکری است و به ذهنها نور می‌افشاند، به این دلها فروبخوانید. آن‌ها را هدایت کنید.

بیانات در مراسم اختتامیه‌ی مسابقات قرآن - ۱۴/۱۰/۱۳۷۳

* عزیزان من! قرآن نور است و حقیقتاً دل و روح را روشن می‌کند. اگر با قرآن انس پیدا کنید، می‌بینید که دل و جان شما نورانی می‌شود. به برکت قرآن بسیاری از ظلمات و ابهامها از قلب و روح انسان زدوده می‌شود. آیا این بهتر نیست؟ «یخرجهم من الظلمات الی النور». به‌وسیله‌ی قرآن است که خدای متعال می‌فرماید: «الله ولیّ الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور». به برکت قرآن است که انسان از ظلمات اوهام، اشتباهات، خطاها و غلطها، به نور هدایت راه پیدا می‌کند. قرآن، کتاب معرفت است. ما در زمینه‌ی زندگی، در زمینه‌ی آینده، در زمینه‌ی تکلیف کنونی، در زمینه‌ی هدف از بودن و در بسیاری از زمینه‌های دیگر، خیلی از مسائل را نمی‌دانیم. بشر مشحون به جهالت‌هاست و قرآن برای انسان معرفت می‌آورد. قرآن کتاب نور، کتاب معرفت، کتاب نجات، کتاب سلامت، کتاب رشد و تعالی و کتاب قرب به خداست. ما این خصوصیات را چه وقت از قرآن به دست می‌آوریم؛ برادران عزیز همین که قرآن را در جیبمان بگذاریم کافی است؟ این که در هنگام سفر، از زیر قرآن رد شویم کافی است؟ امروز من می‌گویم، این که ما در جلسه‌ی تلاوت قرآن شرکت کنیم کافی است؟ این که حتی قرآن را با صدای خوش تلاوت کنیم یا تلاوت خوش را بشنویم و از آن لذّت ببریم کافی است؟ نه. چیز دیگری لازم دارد. آن چیست؟ آن تدبّر در قرآن است. باید در قرآن تدبّر کرد. خود قرآن در موارد متعدد از ما می‌خواهد که تدبّر کنیم. عزیزان من! اگر ما یاد گرفتیم که با قرآن به‌صورت تدبّر، انس پیدا کنیم، همه‌ی خصوصیات که گفتیم حاصل خواهد شد. ما هنوز خیلی فاصله داریم؛ پس باید پیش برویم. این که شما می‌بینید از اوّل انقلاب تا امروز، مسؤولین و دلسوزان کشور، قرآن را در تلاوت، در حفظ و در تعقیب مراسم مربوط به قرآن مطرح کرده‌اند، برای این است که ما به آن‌جا نزدیک شویم. البته تلاوت قرآن با صدای خوش، کار بسیار خوبی است. روایت دارد که امام سجاد علیه‌السلام - هم درباره‌ی امام سجاد علیه‌السلام دارد، هم درباره‌ی امام باقر علیه‌السلام - وقتی تلاوت می‌کردند، کسانی که از نزدیک محل تلاوت ایشان می‌گذشتند، زانوهایشان می‌لرزید و سست می‌شد و نمی‌توانستند حرکت کنند. می‌ایستادند تلاوت قرآن را گوش می‌کردند و وقتی حظّ خودشان را می‌بردند، به راهشان ادامه می‌دادند. تلاوت قرآن با صوت خوش و با آداب که شیوه‌ی خاصی دارد، موسیقی خاصی دارد، روش خاصی دارد، امور لازمی است. اینها انسان را نزدیک می‌کند؛ اما کافی نیست. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این‌طور می‌گوییم: قرآن را به‌صورت بنای مُعظمی، دارای سالنها و حجره‌ها و زوایای گوناگون و اعماق فراوان در نظر بگیرید. این عمارت وسیع و عظیم، سردر و مدخلی دارد. اگر آن مدخل را زیبا ساختیم، مردم برای ورود در آن عمارت، تشویق می‌شوند. مدخل آن بنای رفیع، همین تلاوتهای زیبایی است که این‌جا خواندند. کاشیکاری دَم در، این تلاوت است. حال وارد شوید.

پیام به کنگره عظیم حج - ۲/۲۸/۱۳۷۲

* در پایان، به حجاج عزیز، توصیه می‌کنم از فرصت حج، حد اکثر استفاده را برای کسب آشنایی با برادران مسلمان خود بکنند و اوضاع جهان اسلام را از زبان و رفتار مسلمانان به دست آورند، تجربه‌ها، آرزوها، دستاوردها و تواناییها را باهم مبادله کنند و حجّ خود را به حجّ مورد نظر اسلام هرچه نزدیک‌تر سازند. به برادران و خواهران عزیز ایرانی نیز توصیه می‌کنم که با زبان و عمل، مبلغان و پیام‌رسانان انقلاب پرشکوه و کشور بزرگ و ملت قهرمان خود، به برادران کشورهای دیگر باشند. جوار کوتاه مدت خانه‌ی خدا و حرم پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و مواضع بارز حجّ و سرزمین پرخطرهای حجاز را، برای زنده کردن دل با یاد خدا و تحکیم پیوند معنوی خود با رسول الله (صلی الله علیه و آله) و عترت طیبه‌ی آن بزرگوار (علیهم‌السلام) و بخصوص توجّه و توسّل به حضرت ولی‌الله الاعظم که بی‌شک فیض حضور مقدّسش در مراسم حجّ شامل دل‌های با معرفت است، و انس با قرآن و تدبّر در آیات بیّنات آن و دعا و تضرّع و توسّل که مایه‌ی تقرّب به خدا است، مغتنم بشمرند و از آن بهره ببرند و برای رفع گرفتاریهای مسلمین و قوّت و عزّت روزافزون اسلام و جمهوری اسلامی دعا کنند و علوّ درجات روح مطهر امام راحل و ارواح طیبه‌ی شهدای اسلام را از خداوند مسئلت نمایند.

بیانات در دیدار جمعی از فضیای حوزه‌ی علمیه‌ی قم - ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

* حوزه‌ی علمیه، یک دستگاه تولیدی و یک کارخانه‌ی عظیم انسانی است؛ باید دائم تولید کند؛ باید کتاب تولید کند؛ آدم و عالم تولید کند؛ متدین تولید کند؛ فکر تولید کند و حرف تازه‌ای بزند. حرف تازه که تمام نشده است. بزرگان ما می‌گویند که هر وقت به قرآن مراجعه می‌کنیم و در آن تدبر می‌کنیم، حرفی می‌یابیم که قبلاً نیافته بودیم؛ خیلی خوب، این حرف تازه است. بعضیها نگویند که هرچه حرف تازه است، در دین است؛ دیگر چه حرف تازه‌ای می‌خواهید. بله، ما همان دین را درست نشناختیم! باید حرفهای تازه‌ی دین را در بیاوریم؛ «یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت». این طور نیست که همه‌ی حرفهای دین همین چهار تا حرفی است که من و شما در منبرها یا در کتابهای علمی و تبلیغی و رساله‌مان بیان کرده‌ایم؛ نخیر، بیش از این‌هاست؛ شما جلو بروید، خدا به شما حرف جدید خواهد داد.

بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن - ۱۳۷۰/۱۱/۱۷

عزیزان من! قراء قرآن! جوانان پاک‌دل انقلابی ما! این رابطه را روز به روز با قرآن بیشتر کنید؛ در خانواده‌ها عطر قرآن را در فضا منتشر کنید؛ قرآن را بخوانید و بخوانید؛ در قرآن تدبر کنید. دشمن نمی‌خواهد مسلمانان آیات قرآن را مثل علم در دست بگیرند؛ چون قرآن تکلیفها را معین کرده است؛ تکلیف مسلمانان را، تکلیف جهاد را، تکلیف زندگی اسلامی و مرگ اسلامی را. ما باید رابطه‌مان را با قرآن روز به روز مستحکم‌تر کنیم. در خانه‌ها قرآن بخوانید. حتی در هنگام بیکاری، چنانچه مختصر فراغتی پیدا می‌کنید، خودتان را به قرآن وصل کنید. هر روز مقداری قرآن بخوانید و آن را فراگیرید.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام - ۱۳۷۰/۵/۲۳

* دعا کنید، نافله بخوانید، توجه پیدا کنید، متذکر باشید؛ در شبانه‌روز، یک ساعت را برای خودتان و خدای خودتان قرار بدهید؛ از کارها و اشتغالات گوناگون، خودتان را بیرون بکشید؛ با خدا و با اولیای خدا و با ولی‌عصر (عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه) مأنوس بشوید؛ با قرآن مأنوس باشید و در آن تدبر بکنید. من بیشتر از شما محتاجم که کسی این حرفها را به من بزند. بنده هم بایستی مورد همین موعظه‌ها قرار بگیرم؛ همه‌مان محتاجیم. این طوری می‌توان این بار سنگین و این امانت استثنایی الهی را که در طول این چندین قرن بعد از صدر اسلام، خدای متعال آن را بر دوش احدی نگذاشت که بر دوش شما گذاشت، به سرمنزل رساند؛ و آلا روسیاهی دنیا و آخرت است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه - ۱۳۷۰/۱/۱۶

* امروز به مناسبت روز نوزدهم ماه مبارک رمضان، در خطبه‌ی اول چند جمله‌ای در باره‌ی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) عرض خواهم کرد؛ لیکن قبلاً به مناسبت اینکه ماه رمضان در شرف دهه‌ی سوم و رو به اتمام است، در جهت قدردانی از روزها و شبهای ذی‌قیمت و بابرکت این ماه تذکراتی بدهم. این ماه، ماه روزه است؛ ماه نزول قرآن و انس با قرآن است؛ ماه عبادت و دعا و مناجات است که دعا مغز و روح عبادت است ماه استغفار و توبه و بازگشت از راههای ناپسند نزد خدای متعال و رعایت تقوای الهی است؛ ماه جهاد است که در این ماه مبارک، غزوه‌ی بدر در سال دوم هجرت، و فتح مکه در سال هشتم هجرت، و شروع غزوه‌ی حنین در همان سال اتفاق افتاده است ماه جهاد با نفس و جهاد با شیطان و جهاد با دشمنان خداست؛ ماه آمادگی و ماه ذخیره‌ی تقواست؛ ماه صله‌ی رحم، صدق و برّ با برادران دینی، آشنایی با معارف، آشنایی و تدبر در قرآن، و خلاصه ذخیره کردن سرمایه‌ی حرکت الهی در طول یک سال است. امید است که روزهای گذشته را با عمل بر وفق مقتضیات این ماه گذرانده باشیم و روزهای آینده را بیشتر قدر بدانیم و در کار نفس خود، در معامله با احکام الهی، در برخورد با مردم، در تدبر و ارتباط با قرآن، و در تصمیم و عزم بر مجاهدت با نفس، یک تصمیم جدی و یک اقدام قاطع انجام بدهیم. من به عمل کردن به این توصیه‌ها، از شما محتاج‌ترم. این توصیه‌ها، توصیه‌های بزرگان دین و امیر المؤمنین صاحب امروز است. این روزها را مغتنم بشمارید و رابطه‌تان را با خدا مستحکم کنید. در سایه‌ی این ارتباط قوی، به سمت حل مشکلات دینی و دنیوی حرکت خواهیم کرد و این شاء الله به آن نایل خواهیم شد.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) - ۱۳۶۹/۳/۱۰

* ما هنوز تا یک جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیک‌بختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کج‌روی و ظلم و انحطاط را ریشه‌کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسئولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد به عنوان پایگاه‌های معنویت و تزکیه و هدایت، روز به روز گرم‌تر و پُرونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاه‌ها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیابد و آموختن و تدبر و تعمق در آن، برای همه بخصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد. در این مورد، مسئولیت علما و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران - ۱۳۶۹/۱/۱۰

* انس با قرآن، معرفت اسلامی را در ذهن ما قوی‌تر و عمیق‌تر می‌کند. بدبختی جوامع اسلامی، به خاطر دوری از قرآن و حقایق و معارف آن است. آن کسانی از مسلمانان که معانی قرآن را نمی‌فهمند و با آن انس ندارند، وضعیتشان معلوم است. حتی کسانی هم که زبان قرآن، زبان آن‌هاست و آن را می‌فهمند، به خاطر عدم تدبر در آیات قرآن، با حقایق قرآنی آشنا نمی‌شوند و انس نمی‌گیرند. می‌بینید که آیه‌ی «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» یعنی خداوند مؤمنین را زیردست و زبون کفار قرار نداده است در کشورهای عربی و به وسیله‌ی مردم عرب زبان در دنیا خوانده می‌شود، اما به آن عمل نمی‌گردد. در آیات قرآن، توجه و تنبه و تدبر نیست؛ لذا کشورهای اسلامی عقب مانده‌اند. انس با قرآن، یعنی قرآن را خواندن و باز خواندن و باز خواندن و در مفاهیم قرآنی تدبر کردن و آن‌ها را فهمیدن. فارسی‌زبانها می‌توانند از ترجمه‌ی قرآن استفاده کنند و کلمات قرآنی را به طور تقریب بفهمند و مضامین آیات قرآن را دریابند و در آن‌ها فکر و تأمل کنند. اگر در آیات قرآن تأمل بکنیم، اراده و استقامت ما قوی‌تر و بیشتر از این خواهد شد. همین آیات قرآنی است که توانست در روزگاری، انسان‌هایی را تربیت کند که با دنیای کفر و ظلمات بستیزند. همین معارف است که ملت بزرگ ما را وادار کرد و مجهز نمود که با دنیای مدرن مظلّم جاهلیت مدرن و جاهلیت قرن بیستم مقابله کند. امیدواریم که ملت ما روز به روز به قرآن و حقایق قرآنی نزدیک‌تر بشوند.

پیام به گردهمایی توجیهی دبیران قرآن اول دبیرستان - ۱۳۶۸/۷/۲۰

* انّ هذا القرآن يهدى للتي هي اقوم و يبشر المؤمنين؛ با تشکر از برادران عزیزی که این مجمع را فراهم آورده و گامی در جهت ترویج قرآن پیشتر رفته‌اند، عرض می‌کنم که این دوران، دوران قرآن است؛ زیرا پس از تجربه‌های ناموفق بشر در قرنهای بیداری و شکوفایی و جهش، یعنی پس از آنکه بشر نتوانسته است نظام زندگی انسانی و تسلابخشی متناسب با رشد طوفانی و شگفت‌آور علم برای خود پدید آورد، اکنون راه‌ها بتدریج به طریقه‌ی توحید و راه دین می‌گراید و انسان که به پختگی نزدیک شده، آنچه را در دوران غرور جاهلانگی آغاز شکوفایی علم به فراموشی سپرده، دوباره باز می‌جوید و این در همان دورانی است که دین در نقطه‌ی از جهان به حاکمیت رسیده و با انقلابی عظیم و استثنایی، زمام زندگی میلیونها انسان را به دست گرفته است. پس، امروز فرصتی تاریخی و استثنایی است؛ برای اینکه قرآن در هدایت فکر و عمل انسانها، قدرت و چیره‌گی خود را نشان دهد. اما این متوقف است بر اینکه ما خود، به چشمه‌ی جوشان معارف و هدایت قرآن دست یابیم، قرآن را بفهمیم، در آن تدبر کنیم، آن را محور بحث و فحص سازیم و در اعماق آن غور کنیم. واقعیت تلخ این است که قرآن هنوز در جامعه‌ی ما، یک امر عمومی نشده است. همه به قرآن عشق می‌ورزند و احترام می‌کنند؛ اما عده‌ی کمی همواره آن را تلاوت و عده‌ی کمتری در آن تدبر می‌کنند. برای رفع این نقیصه که کاری ممکن و روان است، در گام اول باید جوانان و نوجوانان را با متن و ترجمه‌ی قرآن آشنا کرد و از شربت گوارا و حیات‌بخش قرآن، به ذائقه‌ی آنان چیزی چشانید ... و این، همان کاری است که شما اینک آغازکننده‌ی آن خواهید شد. شما را به ادامه‌ی این راه و تقویت و پیگیری روز به روز آن، دعوت و توصیه می‌کنم و از خدا برای شما توفیق و هدایت و کمک می‌طلبم.